با ایران توشه
یک قدم جلوتر
باش!

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت



ایران توشه، مرجع دانلود فایل های کمک آموزشی دانش آموزان و کنکوری ها

همه چیز
برای موفقیت
تو!

- دانلود رایگان آزمون های آزمایشی قلمچی، خیلی سبز، گاج و ...
- دانلود رایگان گام به گام تمامی دروس
- دانلود رایگان نمونه سوالات امتحانی (نوبت اول و دوم) و امتحانات نهایی
- دانلود رایگان جزوه های کمک آموزشی و شب امتحانی

کافیست هر فایلی که نیاز دارید را در گوگل به این صورت جستجو کنید:

فایل مورد نیاز + ایران توشه

مثال:

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه



irantooshe.ir

t.me/irantooshe

گام به گام نگارش (۱) دهم
درس هشتم

عنوان فصل: نوشته‌های داستان‌گونه

از صفحه‌ی ۱۱۲ تا صفحه‌ی ۱۲۲ کتاب

در این فایل پاسخ فعالیت‌ها، کارهای کلاسی، تمرین‌ها و پرسش‌های فصل نوشته‌های داستان‌گونه آمده است.

مباحث فصل: نوشته‌های داستان‌گونه، کارگاه نوشتن، هنجار نوشتار ۸، مثل‌نویسی

تهیه‌شده در ایران‌توشه، توشه‌ای برای موفقیت

irantooshe.ir

فهرست پرسش‌ها

۱ صفحه ۱۱۸ · کارگاه نوشتن ۱ — بررسی عناصر نوشتهٔ داستان‌گونه ... ۴

۲ صفحه ۱۱۹ · کارگاه نوشتن ۲ — نوشتهٔ داستان‌گونه ۵

۳ صفحه ۱۲۰ · کارگاه نوشتن ۳ — ارزشیابی نوشتهٔ دوستان ... ۵

۴ صفحه ۱۲۲ · مثل‌نویسی — گسترش مثل «جایی که نمک خوردی، نمکدان مشکن» ... ۶

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱ صفحه ۱۱۸ کارگاه نوشتن ۱

نوشتهٔ زیر را بخوانید و عناصر آن را مشخص کنید.

«در یکی از افسانه‌ها آمده است که مردی هر روز دو کوزهٔ بزرگ آب به دو انتهای چوبی می‌بست... چوب را روی شانه‌اش می‌گذاشت و برای خانه‌اش آب می‌برد. یکی از کوزه‌ها کهنه‌تر بود و ترک‌های کوچکی داشت. هر بار که مرد، مسیر خانه‌اش را می‌پیمود، نصف آب کوزه می‌ریخت. مرد، دو سال تمام همین کار را می‌کرد. کوزهٔ سالم و نو، مغرور بود که وظیفه‌ای را که برای آن خلق شده، به طور کامل انجام می‌دهد. اما کوزهٔ کهنه و ترک‌خورده، شرمنده بود که فقط می‌تواند نصف وظیفه‌اش را انجام دهد. هرچند می‌دانست آن ترک‌ها حاصل سال‌ها کار است. کوزهٔ پیر آن‌قدر شرمنده بود که یک روز وقتی مرد آماده می‌شد تا از چاه آب بکشد، تصمیم گرفت با او حرف بزند: «از تو معذرت می‌خواهم. تمام مدتی که از من استفاده کرده‌ای، فقط از نصف حجم من سود برده‌ای... فقط نصف تشنگی کسانی را که در خانه‌ات منتظرند، فرو نشانده‌ای.»

مرد خندید و گفت: «وقتی برمی‌گردیم، با دقت به مسیر نگاه کن.» موقع برگشت، کوزه متوجه شد که در یک سمت جاده... سمت خودش... گل‌ها و گیاهان زیبایی روییده‌اند. مرد گفت: «می‌بینی که طبیعت در سمت تو چقدر زیباتر است؟ من همیشه می‌دانستم که تو ترک داری و تصمیم گرفتم از این موضوع استفاده کنم. این طرف جاده، بذر سبزیجات و گل پخش کردم و تو هم همیشه و هر روز به آنها آب می‌دادی. به خانه‌ام گل برده‌ام و به بچه‌هایم کلم و کاهو داده‌ام. اگر تو ترک نداشتی، چه‌طور می‌توانستی این کار را بکنی؟»

بررسی متن: شخصیت / ماجرای داستان / فضا (حال و هوا، مکان و زمان) / روایت: الف) شیوهٔ بیان، ب) زاویهٔ دید

- **شخصیت:** کوزهٔ نو و سالم (مغرور)، کوزهٔ کهنه و ترک‌خورده (شرمنده) و مرد آب‌بر (دانا و مهربان).
- **ماجرای داستان:** کوزهٔ ترک‌خورده در راه از چاه تا خانه نیمی از آبش را می‌ریزد و از این بابت شرمنده است. مرد به او نشان می‌دهد که در کنار جاده، سمت او، گل و سبزی روییده است؛ چون همین ترک‌ها هر روز آن بذرها را آب می‌دادند. کوزه می‌فهمد که عیبش هم فایده‌ای داشته است.
- **فضا (حال و هوا):** در آغاز شرمندگی و غرور؛ در پایان آرامش، شادی و رضایت.
- **فضا (مکان):** جادهٔ میان چاه و خانهٔ مرد.
- **فضا (زمان):** هر روز، در طول دو سال؛ هنگام رفتن به چاه و برگشتن به خانه.
- **روایت، الف) شیوهٔ بیان:** داستانی و تمثیلی، همراه با گفت‌وگو و تصویر؛ مثل نوشتهٔ ادبی و همراه با احساس و عاطفه.
- **روایت، ب) زاویهٔ دید:** سوم‌شخص («او»)؛ راوی بیرون از ماجرا است و ماجرا را از چشم «او» گزارش می‌کند.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir

۲ صفحه ۱۱۹ کارگاه نوشتن ۲

نوشته‌ای داستان‌گونه بنویسید؛ پیش از نوشتن، عناصر آن را مشخص کنید.

عنصر	انتخاب ما
شخصیت	سارا (دختری خجالتی و دلسرد) و خانم احمدی (معلم مهربان)
ماجرای داستان	سارا از نقاشی خودش ناراضی است و آن را پاره می‌کند. معلم نقاشی را از سطل برمی‌دارد، به هم می‌چسباند و به دیوار کلاس می‌زند.
فضا: حال و هوا	از دلگیری و غم به شادی و امید
فضا: مکان و زمان	کلاس سوم، صبح یک روز پاییزی
روایت: شیوهٔ بیان	داستانی، همراه با گفت‌وگو
روایت: زاویهٔ دید	سوم‌شخص («او»)

نوشته (نقاشی پاره‌شده):

صبح یک روز پاییزی بود. باران نرم می‌بارید و کلاس سوم بوی نم و دفتر می‌داد. سارا ساکت پشت نیمکت نشسته بود. نقاشی‌اش را نگاه کرد و آه کشید. رنگ‌ها قاطی شده بودند و درخت شبیه درخت نبود.

کاغذ را مچاله کرد و آرام در سطل زباله انداخت. زنگ که خورد، خانم احمدی سطل را دید. کاغذ را برداشت، صاف کرد و پرسید: «این چیست؟»

سارا سرش را پایین انداخت و گفت: «نقاشی بدی بود، چون هیچ شبیه درخت نشد.»

خانم احمدی لبخند زد: «ولی من رنگ پاییز را در آن می‌بینم. این نارنجی‌ها را ببین!»

معلم کاغذ را با چسب به هم چسباند و روی تابلوی کلاس زد. بچه‌ها یکی‌یکی آمدند و نگاهش کردند. سارا از خوشحالی گل از گلش شکفت. آن روز فهمید که هر کاری، حتی ناقص، ارزش دارد.

۳ صفحه ۱۲۰ کارگاه نوشتن ۳

به نوشتهٔ دوستانتان، که خوانده می‌شود، با دقت گوش دهید و آن را بر بنیاد سنجه‌های زیر، ارزشیابی کنید.

جدول سنجه‌ها (ردیف / سنجه‌های ارزیابی / بارم): ۱) شخصیت‌پردازی (۳)؛ ۲) ماجرای داستان (۳)؛ ۳) فضا (حال و هوا، مکان و زمان) (۳)؛ ۴) روایت: الف) شیوهٔ بیان، ب) زاویهٔ دید (۲)؛ ۵) استفادهٔ صحیح از نشانه‌های انسجام متن (۲)؛ ۶) پرهیز از نگارش جمله‌های طولانی (۲)؛ ۷) شیوهٔ خواندن (۲)؛ ۸) رعایت املا و نکات نگارشی (۳)؛ جمع‌بندی (۲۰)

نمونه‌ای از ارزشیابی: فرض کنید یکی از دوستان داستان «نقاشی پاره‌شده» (کارگاه ۲) را برای کلاس خوانده است:

ردیف	سنجه	بارم	نمره	دلیل
۱	شخصیت‌پردازی	۳	۲٫۵	سارا و معلم با گفت‌وگو و رفتارشان خوب معرفی شده‌اند.
۲	ماجرای داستان	۳	۳	ماجرا آغاز، گره و پایان روشن دارد.
۳	فضا (حال و هوا، مکان و زمان)	۳	۲	زمان و مکان روشن است، ولی توصیف مکان کوتاه‌تر از لازم است.
۴	روایت (شیوهٔ بیان و زاویهٔ دید)	۲	۱٫۵	زاویهٔ دید سوم‌شخص ثابت مانده؛ شیوهٔ بیان می‌تواند گیراتر باشد.
۵	استفادهٔ صحیح از نشانه‌های انسجام	۲	۲	«چون» و «ولی» درست آمده‌اند.
۶	پرهیز از جمله‌های طولانی	۲	۱٫۵	یک جمله بلند و نیازمند شکستن بود.
۷	شیوهٔ خواندن	۲	۲	لحن مناسب و صدای رسا
۸	رعایت املا و نکات نگارشی	۳	۲٫۵	املای واژه‌ها درست بود؛ یک جا ویرگول افتاده بود.
	جمع‌بندی	۲۰	۱۷	

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir

۴ صفحه ۱۲۲ **مثل‌نویسی**

مثل‌های زیر را بخوانید، سپس یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.

- **با ماه نشینی، ماه شوی، با دیگ نشینی، سیاه شوی.**
- **تهی پای رفتن، بِه از کفش تنگ.**
- **جایی که نمک خوردی، نمکدان مشکن.**

• **فلفل نبین چه ریزه، بشکن ببین چه تیزه.**

• **شاهنامه، آخرش خوش است.**

مثل انتخاب‌شده: جایی که نمک خوردی، نمکدان مشکن. (یعنی از کسی که به تو نیکی کرده، بدی نکن و قدرشناس باش.)

رضا چند ماه پیش در شهر غریب بود و جایی برای ماندن نداشت. آقای کریمی، که صاحب یک مغازهٔ کوچک بود، او را به مغازه برد، به او غذا داد و کار یاد داد. رضا کم‌کم کارش را یاد گرفت و دستمزد خوبی گرفت.

یک روز مغازهٔ رقیب به رضا پیشنهاد داد: «اگر راز کار آقای کریمی را بگویی، پول زیادی به تو می‌دهیم.» رضا یک لحظه فکر کرد. به یاد آورد که آقای کریمی در روزهای سخت به او نان و خانه داده بود. با خود گفت: «جایی که نمک خوردی، نمکدان مشکن.»

رضا پیشنهاد را قبول نکرد و ماجرا را به آقای کریمی گفت. آقای کریمی لبخند زد و گفت: «تو فقط کارگر من نیستی، پسر من هستی.» از آن روز مغازه را با هم اداره کردند.

این مثل به ما یاد می‌دهد که باید قدر خوبی دیگران را بدانیم و هیچ‌گاه به کسی که به ما نیکی کرده، بدی نکنیم.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir